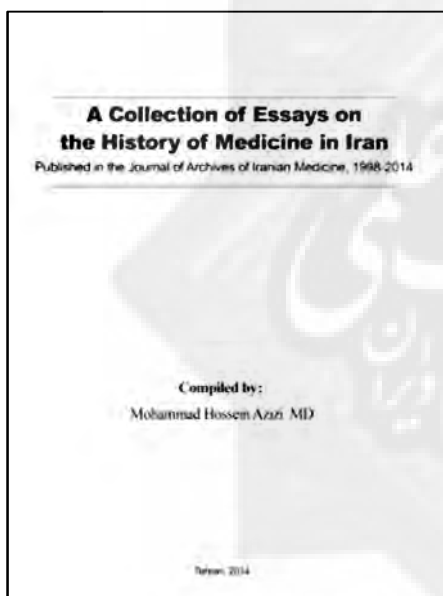


مدرسه پزشکی گندیشاپور، مهم‌ترین مرکز پزشکی دوران باستان*

محمدحسین عزیزی^۱

مقدمه



اسناد نشان می‌دهد که ایران دارای تاریخ طولانی ۳۰۰۰ ساله‌ای است که در آن پزشکی جایگاه بلندی داشته است. تاریخ پزشکی در ایران هم به همان قدمت تمدن ایرانی است و سابقه آن به دوران پیش از اسلام برمی‌گردد.^۲

از شواهد پیداست که پیش از ایجاد دو مدرسه معروف پزشکی یونان قدیم در سده ششم پیش از میلاد در کنیدوس واقع در آسیای صغیر و در جزیره کوس در دریای اژه، فعالیت پزشکی در بین‌النهرین، هند و ایران جریان داشت. قدیم‌ترین منابع مکتوب اطلاعات ما در زمینه پزشکی در ایران اوستا و سایر آثار زرتشتی از قبیل دینکرد و

بندھشن است. در آن‌ها اهمیت اعتقادات پزشکی زرتشتیان نشان داده می‌شود که در وهله اول تأکید بر بهداشت فردی و سلامت اجتماعی و پیشگیری از بیماری‌های واگیردار است. ایرانیان

* این مقاله ترجمه تلخیص شده مقاله‌ای به زبان انگلیسی است از کتاب زیر که فرهنگستان علوم پزشکی ایران منتشر کرده است: *A Collection of Essays on the History of Medicine in Iran*, Compiled by Mohammad Hossein Azizi MD. مجموعه مقالات پزشکی در ایران، گردآورنده: دکتر محمدحسین عزیزی، ناشر: فرهنگستان علوم پزشکی ایران، ۳۱۴ صفحه، تهران، ۲۰۱۴ میلادی. این کتاب شامل چهار بخش است: (۱) پزشکی دوران باستان و سده‌های میانه؛ (۲) پزشکی معاصر؛ (۳) پزشکان برجسته؛ (۴) سابقه تاریخی بیماری‌های خطرناک در تاریخ ایران.

1. f_azizi2000@yahoo.com

۲. یافته‌های باستانی فراوان در خاور و باختر ایران نشان می‌دهد که تاریخ ایران دست کم قدمتی شش هزار ساله دارد و قدمت آثار مکتوب هم به بیش از سه هزار سال می‌رسد...م.ع.

قدیم که در سرزمین وسیعی با آب و هوا و رستنی‌های متنوع می‌زیستند، به‌زودی با گیاهان دارویی گوناگون آشنا شدند.

مدرسه پزشکی گنبدشاپور

تاریخ دقیق ایجاد مدرسه گنبدشاپور معلوم نیست، ولی اغلب محققان معتقدند در زمان پادشاهی شاپور دوم (۳۰۹-۳۷۹م) ایجاد شده است. این مدرسه، همچون «شهر بقرات» در عصر باستان، مرکز پزشکی مهمی به‌شمار می‌رفت. در این مرکز پزشکی، تعلیمات بقرات (۴۳۰-۳۷۷ ق م) و جالینوس (۱۳۰-۱۹۹م) با معلومات غنی پزشکی ایرانی و هندی ترکیب شد، گسترش یافت و سرانجام به جهان اسلام انتقال داده شد.

این مدرسه چندملیتی بود و دانشمندانی از مصر، شام، یونان و هند در کنار ایرانیان حضور داشتند. اینان نه تنها کار پیشینیان خود را ارج می‌نهادند، بلکه درصدد تکمیل آن‌ها هم بودند.

این مدرسه، مرکز علمی پروتقی بود و به گفته سید حسین نصر، وقتی در سال ۴۸۹م دولت بیزانس مدرسه اورفا را بست، پزشکان آنجا به ایران پناهنده شدند، به مدرسه گنبدشاپور روی آوردند و رونق بیشتر آن را فراهم کردند. مدرسه نهادی بسیار منظم و دارای پایه‌های علمی بود - همان‌گونه که شعار سردر آن بیان می‌کرد: «معرفت و فضیلت برتر از شمشیر و قدرت است».

دولت ساسانی در زمان خسرو انوشیروان (۵۳۱-۵۷۸م) به نهایت شکوفایی فرهنگی خود رسید. او به پیشرفت مدرسه توجه زیادی داشت و هیئتی را به سرپرستی برزویه پزشک برای آوردن کتاب‌های پزشکی و سایر رشته‌ها به هند فرستاد و او پس از بازگشت برخی کتاب‌ها را به پهلوی ترجمه کرد. به‌جز این، در سال ۵۵۰م نخستین همایش پزشکی به فرمان انوشیروان برگزار شد. در سده هفتم میلادی (آغاز فتوحات اسلام) مدرسه گنبدشاپور بزرگ‌ترین مرکز پزشکی جهان شناخته می‌شد.

در گنبدشاپور به‌عنوان یک مدرسه بین‌المللی، دانشجویان ملت‌های دیگر نیز تحصیل می‌کردند، از جمله حارث بن کله، نخستین پزشک تحصیل‌کرده عرب از مردم طائف (در عربستان سعودی امروز). دانشجویان در ابتدا به یونانی و سریانی آموزش می‌دیدند، ولی بعدها، از سده ششم میلادی زبان پهلوی هم به‌ویژه برای داروشناسی به برنامه‌های درسی افزوده شد.

به گفته ابن قفطی مورخ مصری (۵۶۸-۶۴۸ق) رهیافت‌های درمانی پزشکان گنبدشاپور پیشرفته‌تر از پزشکان یونانی و هندی تلقی می‌شد و این به خاطر دست یافتن آنان به اصول تازه تشخیص و درمان بود.

برجسته‌ترین پزشکان گنبدشاپور از دو خانواده مسیحی ایرانی به نام‌های ماسویه و بخت‌یشوع بودند. خانواده بخت‌یشوع بیش از دویست سال در گنبدشاپور فعالیت داشتند.

در سال ۱۴۸ق جرجیس بخت‌یشوع رئیس بیمارستان گندیشاپور برای معالجه منصور خلیفه عباسی (و ۷۷۵م/۱۵۸ق) به بغداد فراخوانده شد و به این ترتیب برای اولین بار ارتباطی میان پزشکان گندیشاپور و بغداد به وجود آمد. آنان نقش مهمی در پیشرفت پزشکی اسلامی داشتند؛ کتاب‌هایی در زمینه پزشکی نوشتند و کتاب‌های پزشکی پهلوی و سریانی را به عربی ترجمه کردند. مثلاً یوحنا بن ماسویه پزشک نامداری بود که در نیمه اول سده سوم هجری در بغداد می‌زیست و نخستین کتاب عربی در چشم‌پزشکی را نوشت.

در مدرسه گندیشاپور کتاب‌های پزشکی، از جمله متن‌های یونانی، اغلب به دست پزشکان سریانی به سریانی و پهلوی ترجمه شده بود. حنین بن اسحاق (۸۰۸-۸۷۳م/۱۹۴-۲۶۰ق) متولد حیره در عراق، که در مدرسه گندیشاپور و سپس در اسکندریه تحصیل کرده بود، از مترجمان برجسته آثار جالینوس به عربی است.

گندیشاپور دارای کتابخانه‌ای با کتاب‌های فراوان به یونانی، سریانی و پهلوی بود.

بیمارستان گندیشاپور

برخی محققان بیمارستان گندیشاپور را نخستین بیمارستان آموزشی در تاریخ پزشکی و مشهورترین بیمارستان ایران دانسته‌اند؛ بیمارستان بسیار منظمی در جهان باستان که دارای مدیر، هیئت پزشکی، داروساز و پرستار بود. دکتر سیریل ل. الگود (۱۸۹۲-۱۹۷۰م) می‌نویسد:

در زمینه تشکیلات بیمارستانی باید بیشترین اعتبار را برای ایرانیان قائل شد. بعدها بیمارستان‌های اسلامی بر اساس بیمارستان گندیشاپور شکل گرفت. یک نمونه آن بیمارستان بغداد در سده هشتم/دوم بود. حتی واژه عربی «بیمارستان» فارسی است.

فعالیت بیمارستان گندیشاپور که در سده ششم میلادی به اوج خود رسیده بود در ۸۶۹م/۲۲۵ق پایان یافت و با مهاجرت پزشکانش به بغداد یکسره تعطیل شد.